

# چرا ديه زن نصف ديه مرد است ؟

سؤال کننده : آرزو کریمی

توضیح سؤال :

بسمه تعالی

با عرض سلام و خسته نباشید و تشکر از اینکه چنین امکانی را برای طرح سوالات مذهبی فراهم نموده اید .

من سوالات و شبهات فراوانی در زمینه حقوق زن در اسلام دارم که همیشه برایم جای سوال داشته است و هیچوقت پاسخ قانع کننده ای نیافته ام :

۱- با جود اینکه در اسلام مقام زن بسیار والا عنوان می شود ولی متأسفانه زن با عنوان يك انسان کامل برخورد نمی شود و این مسئله در بسیاری از قوانین مدنی و حقوقی مشهود است از جمله مسئله قصاص که در صورتیکه يك زن توسط مردی به قتل برسد قاتل در صورت پرداخت ديه قصاص خواهد گردید با توجه به اینکه بهانه ای که برای این حکم آورده می شود نان آور بودن مرد است ، سوال من اینست حال اگر زن مقتول نیز سرپرست خانوار باشد تکلیف چیست ؟ و آیا يك قاتل چگونه می تواند سرپرست واقعی يك خانواده باشد.

پاسخ :

برای روشن شدن برخی از ابعاد مسأله توجه به نکات زیر سودمند می نماید :

۱- اسلام نظامی جامع و به هم پیوسته دارد که نظام حقوقی بخشی از آن است. فقه اسلامی زوایای گوناگون زندگی انسان را از پیش از ولادت تا پس از مرگ مورد توجه قرار داده است. بنابراین، باید تمام زوایا و مسائل ریز را در نگاه کلان و در راستای آن برنامه کلی لحاظ کرد. پس تکیه به برخی نکات ریز و نگاه استقلالی به آن، بدون توجه به پیکره کلی و برنامه کلان، نتیجه مطلوب نمی دهد؛ برای مثال، امروزه کشورهای پیشرفته بر اساس نظام مالیاتی خاص اداره می شوند. کشور آلمان نظام اقتصادی خود را بر ۱۶ درصد مالیات در تمام معاملات استوار ساخته است. اگر کسی به پرداخت مالیات ۱۶ درصدی در مقابل خرید يك کبریت اعتراض داشته باشد، این اعتراض بدون در نظر گرفتن برنامه کلان آن کشور که نظام اقتصادی خود را بر اساس آن استوار داشته، صورت گرفته است.

پس از آن جا که قانون به طور کلی وضع می شود ، قانون گذار مصلحت عمومی را رعایت می کند و موارد استثنایی و تبصره های سبب نقض حکم کلی نمی شود .

۲- در حقوق اسلامي وظايفي خاص به عهده زن و مرد نهاده شده است که تخلفناپذير است؛ براي مثال نفقه و خرجي همسر، تهيه مسکن، خوراک، لباس، پرداخت مهریه به عهده مرد گذاشته شده است. اگر زني خود از منبع اقتصادي مستقل و موقعيت شغلي عالي برخوردار باشد، اشکال ندارد؛ ولي از نظر شرع، وظيفه پرداخت مخارج خانه و هزينه مسکن به عهده او نيست و شوهر نمي‌تواند وي را به پرداخت کمک هزينه خانه و زندگي مجبور سازد. البته اگر زن با رضایت خاطر و تمایل دروني شوهر را در اداره بهتر خانه ياري دهد، مسأله‌اي ديگر است؛ ولي اين وظيفه شرعاً به عهده مرد نهاده شده است.

۳- ديه مالي است که در برابر آسيبي که به انسان وارد شده است، گرفته مي‌شود. مقدار آن به ارزش . شخص آسيب ديده ارتباط ندارد. بنابراین، کسي نمي‌تواند بگويد چون ديه زن نصف ديه مرد است، زن نصف مرد ارزش دارد. عظمت و ارزش انسان به صفات و کسب مراتب علمي و عملي وابسته است و در اين جهت مرد و زن يکسانند. قرآن مجيد مي‌فرمايد:

فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنثِي بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ.

پس پروردگارشان دعاي آنان را اجابت کرد [و فرمود] من عمل هيچ صاحب عملي از شما را، از مرد يا زن که همه از يکديگرند، تباه نمي‌کنم.

آل عمران آيه ۱۹۵.

بنابراين، ارزش انسان به انسانيت او و نائل شدن وي به مراتب والاي قرب الاهي است. در اين جهت جنسيت نقشي ندارد؛ زن و مرد يکسانند و چه بسا زنان از استعداد بهتري برخوردار باشند.

ديه به معنای قيمت نهادن شخص و شخصيت نيست. بدین سبب، اگر يکي از شخصيت‌هاي بزرگ علمي يا سياسي کشور در جريان يك قتل غير عمد کشته شود، ديه‌اش با ديه کارگر ساده‌اي که اين گونه جان باخته، برابر است. کسي نمي‌تواند بگويد چون فقدان آن شخصيت خلأ بزرگي در جامعه ايجاد مي‌کند، ديه‌اش بيش‌تر است! چنان که قتل عمد گناهي بسيار بزرگ است و در اين زمينه زن و مرد تفاوت ندارند. قرآن کریم مي‌فرمايد:

مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا.

هر کس کسي را - جز به قصاص قتل يا [به کيفر] فسادي در زمين - بکشد، چنان است که گويا همه مردم را کشته باشد.

مائده (۵): ۳۲.

اين‌که گفته مي‌شود سهم زن در ديه نصف سهم مرد است، در همه جا نيست. ديه زن در کم‌تر از ثلث با مرد يکسان است؛ يعني ديه زن تا به ثلث ديه کامل نرسيده باشد، با ديه مرد برابر است. يعني مثلاً اگر يك انگشت زن قطع شود يا يك انگشت مرد ديه آن يکي است اگر دو انگشت يا سه انگشت زن قطع شود ديه آن با سه انگشت مرد يکسان است ولي اگر از يك سوم ديه

يك كامل يك مرد بيشتر شود تبديل به نصف ميشود.

النهاية، شيخ طوسي؛ قواعد الاحكام، علامه حلي، ج ۳، ص ۵۹۴؛ ايضاح الفوائد، فخرالحقین، ج ۴، ص ۵۷۱؛ مجمع الفائدة و البرهان، محقق اردبيلي، ج ۱۳، ص ۴۵۲؛ موطأ مالك، ج ۲، ص ۸۵۴.

این مسأله در ارث نیز مطرح است. در آن جا هم در مواردی سهم زن با مرد تفاوت ندارد. مثلاً پدر و مادر میت به يك اندازه يعني يك ششم ارث میبرند.

و در مواردی هم زن بیشتر از مرد ارث میبرد مثل جایی که ورثه يك پدر از میت و يك دختر از میت باشند آنگاه پدر يك ششم و بقیه اموال يعني پنج ششم را دختر ارث میبرد.

4- اسلام مسؤولیت اداره اقتصادی خانواده را به عهده مرد قرار داده است و زن از این مسؤولیت معاف است. با توجه به این که دیه برای غرامت و جبران بخشی از خلأ ایجاد شده در خانواده آسیب دیده است، و از نظر اقتصادی نقش اصلی و کلیدی به عهده مرد نهاده شده، این دیه در مرد به طور کامل گرفته می شود.

ممکن است گفته شود، در مواردی که زن نقش اول اقتصادی را ایفا می کند، حکم مسأله چه خواهد بود؟ پاسخ آن است که قانون به نحو عام وضع و اجرا می شود، و موارد استثنایی که زن نقش عمده اقتصادی را به عهده گرفته است، سبب نمی شود اصل قانون ملغاً گردد یا استثنا پذیرد. البته حتی در این فرض نیز مسؤولیت اقتصادی خانواده به عهده مرد است و مرد نمی تواند از این مسؤولیت شانه خالی کن

5- حکم به نقص دیه زن به معنای کمتر بودن حق زندگی و سلامتی زن نیست. این قانون با توجه به دیدگاه اقتصادی اسلام و مسؤولیتهای مرد و زن که مرد را عامل اول اقتصادی می داند، وضع شده است. حق زندگی در زن و مرد یکسان است. بدین سبب، اگر مردی زنی را بکشد، می توان قاتل را با پرداخت نیم دیه آن قصاص کرد و شارع ولی دم را به پذیرش نصف دیه و صرف نظر از قصاص نفس مجبور نمی سازد. این بدان معنا است که در دیه مسأله به حق زندگی و سلامت باز نمی گردد و پیامدهای اقتصادی لحاظ شده است. مرد، با توجه به خصوصیات طبیعی اش قوی تر و در بُعد اقتصادی ظاهرتر است؛ و در صورت عدم، خلأ وجودش بیشتر احساس می شود؛ وگرنه زن و مرد هر دو انسانند و از حق زندگی و سلامتی یکسان برخوردارند.

القضاء في الفقه الاسلامي، ص ۷۳.

6- با اجرای قوانین اسلام در همه ابعاد، تعادلی کامل میان زن و مرد ایجاد می شود؛ زیرا از يك طرف مرد دو برابر سهم زن ارث می برد؛ ولی وظیفه اداره اقتصادی و پرداخت هزینه های جاری خانه (خوراک، پوشاک و مسکن) بر دوش او است؛ زن سهم خویش را برای خود نگاه می دارد و در موارد دلخواهش مصرف می کند، بی آن که مسؤولیتی خاص بر دوش داشته باشد.

در نتیجه‌گاه سهم مصرف اختصاصی زن از سهم مصرف اختصاصی مرد بیشتر می‌گردد.

با توجه به این دید جامع، تعادلی کامل در نظام خانواده ایجاد می‌شود. زن با دید عاطفی خود، بر اساس ملاحظه مسائل اخلاقی، گاه در جهت حل مشکلات اقتصادی خانواده گام بر می‌دارد؛ ولی شرعاً در این مورد وظیفه‌ای ندارد.

۷- مسأله تنصیف دیه زن از دیرباز در کتب فقهی مطرح شده است. شیخ طوسی پس از ذکر مسأله، آن را نظر تمام فقیهان شیعه و سنی جز دو تن از علمای اهل سنت معرفی می‌کند و دلیل خود را اجماع و برخی روایات می‌داند.

ر. ک: احکام القرآن، احمد بن علی الجصاص، ج ۲، ص ۲۳۸؛ المبسوط، شمس الدین السرخسی، ج ۲۶، ص ۷۹؛ الهدایة،

ابوالخطاب الکلوذانی، ج ۸، ص ۳۰۶.

گروه پاسخ به تنبّهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)